



ISSN:2588-7033



Military-Security Functions of Minarets According to Historical Texts

Maryam Khosroabadi*

^a Assistant Professor of Political Science and History, Faculty of Law, Yazd University, Yazd, Iran, khosroabadi@yazd.ac.ir

KEYWORDS

Tower of skulls,
minaret, tower,
mosques and schools,
constitution, Sepehsalar
school

Received: 21 August 2022;
Accepted: 27 December 2022

Article type: Research Paper
DOR: 20.1001.1.25887033.1401.6.2.4.8

ABSTRACT

Minarets, as the spiritual heritage of diverse cultures, have continued to exist for thousands of years with different functions of navigation, call to prayer (Adhan), grandeur, turning buildings into landmarks, as well as economic and commercial functions. These ancient and Islamic structures have also had military and security functions that have not received much attention so far. This research thus aimed to study the role of minarets in domestic security and military. Investigating historical texts shows that minarets have played an important role in wars and conquests, capture of castles or their defense, and making commercial highways secure. Furthermore, the construction of military minaret-inscriptions next to towers of skulls in order to tell of the military campaigns and causes of the buildings of towers of skulls, which per se have been considered as a form of historiography, is only a part of the security and military functions of minarets as discussed in this research.

* Corresponding author.

E-mail address: khosroabadi@yazd.ac.ir

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





کارکردهای امنیتی_ نظامی مناره‌ها به روایت متون تاریخی

مریم خسروآبادی^{الف}^{الف} استادیار علوم سیاسی و تاریخ، دانشکده حقوق، دانشگاه یزد، یزد، ایران، khosroabadi@yazd.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
مناره‌ها، میراث معنوی فرهنگ‌های متعدد و متنوع با کارکردهای مختلف مسیریابی، اذان‌گویی، زیبایی، عظمت بخشی به بناها و نیز کارکردهای اقتصادی و تجاری، هزاران سال است که به حیات خود ادامه می‌دهند. این بناهای باستانی و اسلامی، دارای کارکردهای نظامی و امنیتی نیز بوده که تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته است. بررسی نقش مناره‌ها، در امنیت داخلی و عرصه نظامی، مساله مورد نظر این پژوهش است. حاصل این پژوهش که ضمن بررسی متون تاریخی صورت گرفته، گویای این است که مناره‌ها در جنگ‌ها و فتوحات، تسخیر قلعه یا دفاع از آنها و امنیت شاهراه‌های تجاری نقش مهمی ایفا کرده‌اند. همچنین احداث منار_ نوشته‌های نظامی در کنار کله مناره‌های انسانی، به قصد ارائه گزارش لشکرکشی‌ها و علت ساخت کله مناره‌ها که خود نوعی تاریخ نگاری محسوب می‌شده، تنها بخشی از کارکردهای امنیتی و نظامی مناره‌هاست که در این پژوهش مورد بحث قرار گرفته است.	کله منار، منار، میل، مساجد و مدارس، مشروطه، مدرسه سپهسالار
	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶
	مقاله علمی پژوهشی

مقدمه

در ایران منار از دوره باستان و خصوصاً عصر اشکانی وجود داشته که از جمله آنها میل نورآباد است. اما در اینجا واژه‌ی را میل داریم و نه واژه‌ی منار که ظاهراً اولین و مهمترین کاربرد آن، پیش از قرارگیری در کنار مساجد دوران اسلامی به جهت تزئین، آرایندگی، زیبایی و القای حس عظمت بوده است. منظور از میل در واقع ستون و سازه‌ای ساده به شکل تیرک و به قصد مسیریابی بود تا مسافران و کاروانیان راه خود را در بیابان گم نکنند؛ و ظاهراً شب هنگام هم روی آنها آتش روشن می‌کردند. با توجه به لغت عربی «نار» برخی معتقدند که عرب‌ها معمولاً در شب راه می‌پیمودند و لذا منار لغتی عربی است. مبتکر این نظر هیلن براند است که نظریه وی مورد استناد بسیاری از محققان قرار گرفته است. این درحالی است که عرب‌ها معمولاً از ستارگان، حرکت ماه و فضولات حیوانات برای شناسایی مسیرها استفاده می‌کردند. هیلن براند (۱۳۹۳) در کتاب *معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی*، کرسول (۱۳۹۳) در کتاب *گذری بر معماری متقدم مسلمانان* و نیز اتینگهاوزن و الگ گرابر (۱۳۷۹) در کتاب *هنر و معماری اسلامی*، به عنوان مرجع اکثر تحقیقات، منشاء مناره‌ها را برج‌های کلیساهای شام، مسیحیت و روم دانسته‌اند. حیدری (۱۳۸۷) در مقاله «جستاری در باب منار»، منشاء اولیه مناره‌ها را در چغازنبیل جستجو کرده و به شکل‌های مارپیچ این سازه و به کارگیری آن در مساجد المتوکل در سامرا و منار مسجد ابن طولون در مصر اشاره کرده است. به گفته وی «منار شهر ایرانی» که نمونه آن در مرکز شهر گور در نزدیکی فیروزآباد است، از نمونه‌ی زیگورات چغازنبیل الگوگیری شده است. وی می‌گوید که «منار» بر وزن «مَفْعَل» از باب نور یا نار به معنای آتش در زبان عربی، اسم مکان و به معنای آتش و یا محل نور است که به احتمال بسیار زیاد از شهرهای ایرانی به

زبان عربی وارد شده و مجدداً در ایران استفاده شده است؛ و اینکه هیلن براند با اشاره به این معنای لغوی، منبع الهام محل آتش را، فانوس اسکندریه و نه ایران می‌داند چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. بنابراین در مورد اینکه منار چرا، از چه زمانی و در کجا به وجود آمده، اختلاف نظرهایی وجود دارد.

این سازه باستانی با منشاء متفاوت که به برخی از آنها اشاره شد، کارکردهای متعددی نیز داشته است. اگر مناره‌ها را سازه‌هایی بدانیم که در کویر یا کنار آبادی‌ها، شهرها و آتشگاه‌ها به عنوان تابلوی راهنما استفاده می‌شدند، کاربرد تجاری و مذهبی آنها را نیز در نظر گرفته‌ایم. زیرا اساساً کاروانیان راه‌های طولانی بیابان‌ها و دشت‌ها را برای تفریح و سفر طی نمی‌کردند، بلکه آنها نبض زندگی اقتصادی روستاها و شهرها بودند. کاری که نه تنها در روز به عنوان مسافران بیابان‌ها، بلکه از مسیرهای دریایی و با کشتی‌ها و به راهنمایی سازه‌های مرتفعی که ارتفاع آنها گاهی به بیش از صد متر می‌رسید، انجام می‌شد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۶۶۱/۴). در واقع مناره‌های مستقر در بنادر، با مصرف اندکی نفت و هیزم، کورسویی در تاریکی بودند تا کشتی‌های بزرگ را از امواج متلاطم دریا‌های طوفانی به سواحل امن بکشانند که خود گویای عملکرد تجاری این سازه‌هاست. این سازه‌های عظیم مرتفع، همچنین، جلوه‌ای از شکوه، عظمت و زیبایی شهرهای اسلامی در کنار مساجد، مدارس، آرامگاه‌ها و بازارها بودند که به گفته‌ی مورخان دوره ایلخانی نظیر رشیدالدین فضل‌الله در جشن‌ها و عزاداری‌ها، آذین‌بندی و پلاس‌پوش می‌شدند (۱۹۴۰: ۱۵۶-۱۶۰) و گاه برای رؤیت هلال ماه بر فراز آنها می‌رفتند (شاردن، ۱۳۷۲: ج ۱۰/۳). مناره‌ها همچنین با قابلیت جذب نوسانات، از رانش و حرکت مجموعه‌های ساختمانی باشکوه جلوگیری می‌کردند. البته آنها کارکرد مهم دیگری هم داشتند که به نظر می‌رسد مغفول مانده است و آن توان نظامی و امنیتی آنها بود؛ مسأله‌ای که در پژوهش‌های معاصر چندان بدان توجه نشده است. یعنی آنچه درباره‌ی این سازه، بیش از همه مورد تحقیق قرار گرفته منشاء پیدایش، زمان ساخت، معنای لغوی و کارکردهایی نظیر مسیریابی، تجارت و ویژگی‌های آرایندگی و زیبایی بنا بوده است؛ ولی در این مقاله سعی شده به جنبه‌ی امنیتی و نظامی آنها نیز توجه شود. لازم به ذکر است که با توجه به محوریت موضوع مقاله یعنی منار، بازه زمانی این پژوهش، قابلیت تحدید نداشته است. از آنجا که عمر این سازه به اندازه قدمت تاریخ ایران بوده، مشخص کردن بازه زمانی برای آن کاری مشکل بوده و لذا در این پژوهش سعی شده است با ارائه تعریفی از کارکردهای امنیتی و نظامی مناره و در قالب موضوعی، مباحث، نظم و سیاق مناسبی پیدا کند.

کارکردهای امنیتی

هنگام اندیشیدن به امنیت، معنای در امان بودن دولت از حمله همراه با امکان جنگ و پرسش‌هایی درباره تهدید، کاربرد عملی و مهار و مدیریت نظامی بیش از هر چیز به ذهن متبادر می‌شود؛ اما مفهوم امنیت پیچیده‌تر از این موارد است. امنیت در لغت، به معنای آزادی، فقدان ترس، اطمینان از ارضای احتیاجات و خواسته‌های شخصی، اعتماد به نفس و پذیرش از طرف گروه تعریف شده است. در واقع آمادگی فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی برای رویارویی با هرگونه تهدید و حمله، امنیت نامیده می‌شود (Leffler, 1984: 246-81). امنیت جان و مال، امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ابعاد مختلف امنیت است (رهبر، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۱۰). امنیت اجتماعی به مفهوم حفاظت از ارزش‌های اجتماعی در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی است؛ اما از سرزمینی به سرزمینی دیگر هم به لحاظ تمایزات اجتماعی و هم تفاوت دولت‌ها متفاوت است (میرعرب، ۱۳۷۹: ۱۴۰ و ۱۳۷). امنیت ملی نیز محدود به امنیت نظامی صرف نیست و زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری و فناوری و حیات ایدئولوژیک را دربرمی‌گیرد (هندیانی، ۱۳۸۶: ۱۰). براساس این تعاریف، مناره‌ها از نظر امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و نظامی،

کارکردهای غیرقابل انکاری داشته‌اند. از جمله می‌توان از آنها به‌عنوان شاخصی برای تعیین مرزهای سرزمینی یاد کرد. مناره‌ها تأمین‌کننده‌ی امنیت اجتماعی و اقتصادی تجار و در برخی موارد و به لحاظ هنری، زبان صلح به‌شمار می‌رفتند.

مناره؛ تیرک یا نشانه‌ای برای تعیین مرزهای سرزمینی

از منار به‌عنوان یکی از ابزارهای تعیین حدود در متون کهن از جمله تاریخ طبری یاد شده‌است. مرزهای سرزمینی یا توسط مرزهای طبیعی مانند رودخانه‌ها، کوه‌ها و دره‌ها یا در مکان‌هایی که تردد به راحتی امکان‌پذیر است توسط مرزهای مصنوعی ساخته شده‌ی انسان مانند سیم خاردار و برج‌های مراقبت تعیین می‌شود. طبری از احداث منار یا میلی بین مرزهای ایران و هفتالان، اقوامی که در باختر چین زندگی می‌کردند و با فشار ترک‌ها به سمت طخارستان و مرزهای شرقی ایران وارد شدند، یاد کرده‌است. ظاهراً بهرام پنجم (گور) (حک: ۴۳۸-۴۲۰م)، جنگ‌هایی با آنها نیز داشته‌است. به گفته طبری، وی بین سرزمین ایران و آنها، مناره‌ای بنا کرد «همه از سنگ یک لخت» که بر بالای آن روی گذاخته ریخته بودند تا «هیچ مداخلت با یکدیگر نکنند» (طبری، ۱۳۷۸: ۱/ ۶۶۴-۶۶۶). این سنگ‌های یک تکه که از کوه آورده شدند، «حد ترک» را مشخص می‌کردند. هرچند طبری آنها را ترک نامیده، این بدان دلیل است که منابع اسلامی اساساً با ترکان پس از اسلام مواجه شدند، در صورتی که این قوم هفتالان بودند که عرب‌ها هیاطله می‌نامیدند. صرف‌نظر از منشاء وجودی آنها ظاهراً حملات هفتالان به نواحی شرقی ایران و گسترش قلمروشان باعث نبردهای بعدی جانشینان بهرام با آنها بوده‌است. طبری می‌گوید که فیروز ساسانی (حک: ۴۸۴-۴۵۹ م) می‌خواست ضمن تعهد به حدودی که بهرام با نصب منار تعیین کرده بود، هیاطله را از سرزمین‌های ایرانی بیرون کند؛ لذا منار را به پانصد فیل بست. فیل‌ها آنرا به جلو می‌کشیدند و لشکر پشت سر منار حرکت می‌کرد. اگر چه نتیجه این اقدام کشته شدن فیروز در جنگ هرات و از دست دادن سرزمین‌های بیشتر بود، صرف‌نظر از بررسی ماجرای جنگ و بحث نژادی بین ترکان و هیاطله که در این منبع دوران اسلامی مطرح است، منار به‌عنوان علامت و نشانگر مرز سیاسی و سرزمینی و همچنین نشانه‌ی صلح و ثبات برای جلوگیری از جنگ و تنش بیشتر مرزی استفاده شده‌است.

مناره‌ها مروج فرهنگ صلح و فراتر از مرزبندی‌های سیاسی

زبان هنرها و فرهنگ‌ها همواره فراتر از مرزهای سیاسی حرکت کرده و انسان‌ها را به هم پیوند زده‌است. تمدن اسلامی با جذب هنرها و فرهنگ‌های متعدد ساخته شد. حاکمان و سلاطین برای ادامه حیات خود در زندگی بی‌ثبات و متقارن سیاسی قرون اولیه اسلامی، تلاش کردند تا تعادل بین فرهنگ ایرانی و اسلامی را حفظ کنند. حتی برخی، از جمله در دوره سامانی، بدون توجه به نوع نگاه سیاسی، برای جمع‌آوری بهترین الگوهای آداب دیوانی و درگاهی به سرزمین‌های دیگر نامه نوشتند. این تبادل فرهنگی و هنری، در جنگ‌ها و در خشن‌ترین صحنه‌های تاریخی صرف‌نظر از تیرگی‌های سیاسی و نظامی رابطه غالب و مغلوب و به‌ویژه طی سده‌های هفتم تا دهم هجری، تحت فشار سلطه جویان، ترس از آنان و به دنبال ثروتی که از سرزمین‌های مغلوب راهی سرزمین‌های فاتح شده بود، زیباترین هنرها در بناها و عمارات با شکوه را توسط هنرمندان کشورهای مغلوب به‌وجود آورد. به‌عنوان مثال، زیباترین باغ‌ها، مساجد و مدارس با مناره‌های باشکوه دوره تیموری در سمرقند به‌دست هنرمندان شیرازی ساخته شد. بنای مدرسه چهار منار گیائیه یزد را می‌توان به‌عنوان نمونه خوبی از حرکت هنرها جلوتر از مرزبندی‌های سیاسی یاد کرد. این مدرسه و مناره‌های آن در یزد، بر اساس طرحی بنا شد که امیر غیاث‌الدین علی وزیر شاه شیخ ابواسحق اینجو (حک ۷۲۱-۷۵۸ هجری حاکم

اواخر دوره ایلخانی بر فارس و اصفهان)، از شیراز فرستاده بود. جعفری مولف تاریخ یزد روایت می‌کند: «از شیراز طرح مدرسه و خانقاه و بقاع ثلاث بفرستاد، و مدرسه عمارت کرد با درگاه عالی و دو منار که مثل آن در هیچ دیار نیست» (جعفری، بی‌تا: ۱۶۴-۱۶۲).

بر اساس این روایت، هنگامی که شاه ابواسحق اینجو برای نبرد با آل مظفر از شیراز به سوی یزد حرکت کرد و از دور مدرسه و مناره‌های زیبای آن را دید، از جنگ منصرف شد و بازگشت. هرچند بعداً امیر مظفری مبارزالدین محمد (حک ۷۱۸-۷۵۹ حاکم یزد و کرمان)، از سر غرور، تعصب و حقارت، دستور تخریب مدرسه‌ای را داد که باعث بازگشت شیخ اینجو شده بود. باوجود این، آنچه از این حادثه برجای ماند، بازگشت یک لشکر و جلوگیری از خونریزی و آرام شدن روح انسانی سرکش، پس از دیدن مناره‌هایی بود که توانسته بودند پیوستگی‌های هنری را جایگزین گسست‌های سیاسی کنند و پیوند هنری و عاطفه انسانی و صلح و امنیت را بین شهرهای یزد و شیراز برقرار نمایند؛ و لذا ملاحظه می‌شود که اشتراکات هنری بین سرزمین‌هایی که به لحاظ قومیتی و جغرافیایی ویژگی‌های یکسانی دارند، همواره قوی‌تر از مرز بندی‌های سیاسی بوده‌است.

تأمین امنیت شاهراه‌ها و کاروانیان

گفته شد که یکی از مهمترین دلایل احداث میل‌ها، راهنمایی کاروان‌ها بوده‌است. کاروان‌ها به‌طور معمول، هنگام عبور از دشت‌ها و بیابان‌ها با سه مشکل عمده مواجه می‌شدند:

مسئله اول، صحت راه و جلوگیری از سرگردانی و گم نشدن در مسیرهای اشتباه بود. سرزمین ایران به‌دلیل عوامل طبیعی نظیر پستی و بلندی‌ها، میزان بارندگی، واقع شدن در کمربند خشک و نیمه‌خشک و بالا بودن میزان درجه حرارت و تبخیر، دارای توزیع جغرافیایی جمعیت پراکنده و دور از هم است (یاسوری، ۱۳۸۹: ۶-۳)؛ بنابراین گم نشدن و دسترسی به آب و امکانات رفاهی و رفع تشنگی و خستگی، دومین چالش کاروانیان بوده‌است. سومین عامل هم حفظ امنیت کاروان‌ها از راهزنان بود.

بیابان‌های کرمان و یزد و قم به گفته جغرافی‌نگاران سده‌های نخستین هجری، پر از راهزنان و بسیار ناامن بود (استخری، ۱۳۴۷: ۱۸۴-۱۸۷؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۴۲-۱۴۴؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۵۶). اما با احداث میل‌ها و مناره‌های فراوان و بر اساس یک نظم و سیاق مشخص، در دوران سلجوقیان و به‌ویژه سلجوقیان کرمان و توسط مؤسس سلسله یعنی قاورد عمومی ملک‌شاه، امنیت تردد بازرگانان و کاروانیان در اطراف این ایالت تضمین شد. یکی از کارهای مهمی که در این زمینه انجام شد، احداث میل‌ها با ضوابط خاص برای پوشش هر سه موضوع بود. در این راستا به ارتفاع میل‌ها، نحوه استقرار و فاصله آنها توجه شد. به‌طور معمول، فاصله مبدا تا مقصد مشخص می‌شد. مثلاً از سر دره، تا فهرج بم کرمان ۲۴ فرسخ بود و هر سه یا چهار فرسخ، مناره نصب می‌کردند (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۰) که در این صورت ۶ تا ۸ منار لازم بود. نقل است که از شیراز تا سمرقند چهار منار فاصله بوده است (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۷۲: ۱۰۵۸). به این معنا، منار یک واحد اندازه‌گیری یا مایل بود. ارتفاع میل‌های به کار رفته بیش از دو برابر قد آدمی بود و باید از میل اول، میل دومی پیدا می‌شد. در این صورت کاروانیان با دیدن میل بعدی که از چند فرسخی دیده می‌شد راه را گم نمی‌کردند. در تأیید آنچه گفته شد، می‌توان به ماجرای حمله مغول به خوارزم اشاره کرد که مناره شصت متری آن از فاصله دو سه منزلی دیده می‌شد. اما مغولان که گمان کردند خوارزم و گرگانج در آن نزدیکی است، به قصد غارت «تاختن کردند، بعد از دو سه روز بدان‌جا رسیدند، از کثرت خشم که اسبان ایشان مانده شده بود آن منار را خراب نمودند» (هدایت، ۱۳۸۵: ۱۱۲). برای حل مسئله دوم یعنی رفع تشنگی و خستگی، اطراف میل، خانی (حوض و چشمه آب) و حمامی از آجر ساخته شده بود و

سکونتگاهی ایجاد شد که خود می‌توانست عامل گسترش بعدی آن به‌صورت روستا و شهر باشد. معمولاً فردی نگهبان، شبانه روز از منار مراقبت می‌کرد و شب‌ها، با آتش یا چراغ آن‌را روشن نگه‌می‌داشت. از طرفی، چون از هر میل، میل دیگر نمایان بود طبیعتاً در صورت حمله راهزنان، از طریق نگهبانان مستقر، آنها قابل مشاهده و ردیابی بودند. زیرا از طریق ارتفاع میل‌ها، می‌توانستند متوجه شوند که راهزنان به کدام سمت، فرار می‌کنند. افضل‌الدین کرمانی در امنیت جاده‌ها و رفاه کاروانیان پس از احداث میل‌ها گفته است: «و چهار حد کرمان چنان شد که گرگ و میش باهم آب خوردی و خصب و فراخی بحدی شد که نقله اخبار آورده‌اند» (۱۰: ۱۳۲۶).

تأمین امنیت محلات در برابر آتش سوزی

گفته شد که مهمترین ویژگی منار ارتفاع آن است و باید از یک میل، میل دیگر دیده می‌شد. تنها با رعایت این قاعده، امنیت کاروان‌ها برقرار می‌شد. حال اگر داخل شهرها را در فواصل معینی با میل‌های بلند شناسایی می‌کردند به این معنی بود که حاکمان می‌توانستند کنترل کلی شهر را به‌دست گیرند. البته این کارکرد در ایران به دلیل مسائل مذهبی و قومی، کارایی نیافت اما در عثمانی به خوبی از آن استفاده می‌شد. مراغه‌ای در سفرنامه خود به تفصیل موضوع را شرح داده است. وی اصطلاح «یانقون» یا «حریق سوزی» را ذکر می‌کند و می‌گوید در «اسلامبول» مناره‌های بلندی به نام «قله یانقون» بنا شده است و قراولان به محض دیدن علامت یانقون در هر گوشه‌ای از شهر، هفت تیر توپ شلیک می‌کنند و بعد از نیم ساعت، همه اهالی شهری که پنج شش فرسخ است، متوجه خواهند شد که آتش در کجا و در کدام محل است. بدین ترتیب که «قراول نزدیک قله فریاد می‌کشد: یانقون وار!؛ صدای او را بگجی و قراول کوچه دیگر می‌شنود. آن هم در تمام محله فریاد می‌زند یانقون وار! در فلان جا و فلان محله. فی الفور صدا به صدا وصل شده، جمیع اسباب و آلات اطفائی حاضر است؛ منتظر شیپور حاضر باش هستند. فوراً اسب‌ها را بسته، محض شنیدن شیپور عراده‌ها راه افتاده، با نظام مخصوص معجلاً خود را به جای حریق می‌رسانند» (مراغه‌ی ۱۳۸۵: ۲/ ۳۱۲).

بدین طریق از سرایت آتش به بازارها و سایر ابنیه جلوگیری می‌شد. چنانکه گفته شد در ایران از این ویژگی استفاده نمی‌شد. زیرا از یک سو در ایران به تدریج مناره‌ها برای هماهنگی بیشتر در کارکرد آرایندگی غرق شد و لذا از ارتفاع آنها کاسته شد و در مواردی حتی به کوتاه نمودن مناره‌های بلند و قدیمی اقدام شد؛ و از طرفی دیگر، فضای مذهبی جدید در دوره صفوی مانع ساخت مناره‌های بلند و رفتن بر بالای آنها بود. در این زمان روایاتی به نقل از ائمه احداث منار در کنار مسجد بدعت شمرده می‌شد بدان سبب که در زمان رسول خدا سابقه نداشته است؛ و همچنین با نقل روایاتی از امام علی و امام حسن عسکری به ارتفاع سازه‌ای بلندتر از مسجد اعتراض می‌شد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۲۳؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۱۱). یکی از مباحثی که در این دوره مطرح شده بود حفظ حریم اندرونی خانه‌های مردم منطبق با فقه اسلامی و نیز فرهنگ ایرانی بود. زیرا مناره‌های بلند بر خانه‌های مردم کاملاً تسلط داشت و لذا اذان گفتن مؤذنان بر آنها هم از همین دوره ممنوع شد؛ و در تأیید این ممنوعیت، به اذان گفتن مؤذن در زمان پیامبر بر روی زمین یا پشت بام مساجد اشاره می‌شد. لذا در این دوره نه تنها اذان گفتن بر مناره‌ها متوقف، بلکه از ارتفاع مناره‌ها کاسته شد و یا اساساً مناره چندانی ساخته نشد؛ چنانکه ژوبر (سفیر فرانسه در دربار فتحعلی شاه قاجار)، به ارتفاع پایین مناره‌های ایرانی به استثنای مناره سلطانیه نسبت به مناره‌های بلند عثمانی اشاره کرده است (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۲۳). بنابراین درحالی‌که دولت عثمانی از قله یانقون یا مناره‌های رفیع، برای حفظ امنیت شهری استفاده می‌کرد که پنج شش فرسخ داشت؛ به گفته مراغه‌ای «مملکت بدبخت ایران، اگر

یک بار اتفاق افتاد سرپای شهر و بازار می‌سوزد. زن و بچه‌هاست که با کاسه و بادیه از بیرون آب آورده می‌باشند. این است که چندین بار بازار رشت سراپا سوخته، در حریق مراغه و اردبیل در یک ساعت هشتصد و پنجاه دکان طعمه شراة آتش خانمان‌سوز می‌گردد» (۱۳۸۵: ۲/ ۳۱۲).

هم اندیشی رعیت پای منار

بر اساس تاریخ سیستان، در زرنگ مناره قدیمی وجود داشته‌است که رعایا برای رفع مشکلات خود زیر آن جمع می‌شده‌اند؛ و بنابراین برخی از حاکمان از تجمع رعیت پای منار، میزان امنیت اجتماعی شهر را برآورد می‌کردند: «چون بر رعیت زیادت و بیدادی باشد تدبیر خویش بیای مناره کهن کنند و آنجا جمع شوند و به مظالم شوند، چون داد نیابند هم آنجا آیند و تدبیر گریختن کنند» (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۲۶۶).

کارکردهای نظامی

کارکردهای نظامی مناره‌ها که در این مبحث بدان پرداخته می‌شود عبارتند از: توانایی مناره‌ها در استحکام یا حفاظت از ارگ‌ها، جنگ‌های توپ و مناره‌ها در درگیری‌های داخلی و خارجی، منار نوشته‌های نظامی که در حکم کتیبه‌نگاری و تاریخ‌نگری بود، مجازات مخالفان داخلی و دشمنان خارجی به روش‌های مختلف بر روی مناره‌ها و ساختن مناره از ابزار جنگی و بدن مخالفان.

جنگ مناره‌ها و توپ‌ها

مهم‌ترین ویژگی طراحی شهرهای اسلامی مجموعه‌ای از بازارها، مدارس، مساجد و ارگ‌ها بود که عمدتاً توسط حاکمان شهرها ساخته می‌شد و به همین دلیل از نظر ارتفاع و استحکام، برترین و مسلط‌ترین بناها بودند و بر ورودی‌ها و خروجی‌های شهر دید خوبی داشتند. برتر از همه این عمارات، طبیعتاً مناره‌ها بودند زیرا همه چیز از بالای آنها بهتر دیده می‌شد، به ویژه اگر رواقی داشتند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۶۱). لذا اگر در استانبول از ارتفاع مناره‌ها برای جلوگیری از آتش سوزی بهره‌گرفته می‌شد، در ایران این ویژگی برای ناامنی داخلی و نزاع، قشون‌کشی و درگیری بین دولت و ملت استفاده می‌شد. میدان دید وسیع و ارتفاع زیاد مناره‌ها تا پیش از صفوی - که مهم‌ترین ویژگی و کارکرد آنها بود -، دشمنان، مخالفان سیاسی، نیروهای مردمی و محلات را وادار به کنترل آنها می‌کرد. زیرا فتح مناره‌ها را فتح قلعه و ارگ شهر می‌دانستند؛ به‌ویژه اگر فاصله این دو به هم نزدیک بود. به گفته قمی (۱۳۸۵: ۲۱۳) از مناره‌ی جلوی قلعه بالا می‌رفتند و سپس از بالای منار و از طریق نردبان وارد قلعه می‌شدند. از این‌رو گاهی مخالفان سیاسی که قدرت ایستادگی در برابر حکومت را نداشتند وقتی قلعه‌ای را تصرف می‌کردند مناره‌های مشرف بر آن‌را می‌انداختند تا امکان تسخیر قلعه را از بین ببرند؛ همانطور که سمرقندی در مورد قلعه اختیارالدین در زمان بابر گورکانی می‌گوید: «و طشت‌های کمرهای مناره‌های مدرسه و خانقاه خاقان سعید را به توهم آن‌که سرکوب حصار است انداخت» (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۷۲: ۲/ ۷۰۲).

گاهی هم برای ورود به شهر باید مناره را تخریب می‌کردند. نقل شده‌است که قراخانیان ترک برای تسلط بر بخارای دوره سامانی ابتدا سعی کردند مناره مسجد جامع را که جیهانی ۵ سال برای ساخت آن «از خالص مال خویش هزینه کرده بود»، تخریب کنند. پس آنرا به آتش کشیدند. مناره چوبی سوخت و آتش به مسجد سرایت کرد و سرانجام ارگ شهر تسخیر و سامانیان برفتادند (نرشخی، ۱۳۶۳: ۷۰).

با استفاده کردن از آجر در ساخت مناره‌ها از قرن پنجم هجری به بعد، مقاومت آنها در برابر عوامل طبیعی و انسانی افزایش

یافت؛ اما در عوض سلاح‌های جدیدی نیز به وجود آمد که بلائی جان آنها شد. برای مثال، مناره گنجه را توپچیان نادر با خاک یکسان کردند چون کمانداران مستقر در آن مانع فتح قلعه بودند. استرآبادی در تشریح این رویداد نوشته است: «جمعی از جزائرچیان قدرانداز، مناره‌های مسجد خارج قلعه را که مشرف بقلعه و در تیررس آن حصن حصین واقع بود حواله‌گاه ساخته، در سر مناره‌ها آغاز کمانداری نموده، نخست توپچیان رومیّه مناره‌های مزبور را هدف گلوله آتشبار و باتش دستی مهارت در عرض سه روز با سطح زمین هموار کردند. پس توپچیان این طرف مناره‌های میان قلعه را، که رومیّه سرکوب سیبه‌داران ساخته بودند، نشانه توپهای صاعقه‌بار و در اندک روزی رایت سرافرازی آنها را نگوئسار ساختند» (۲۳۹:۱۳۷۷).

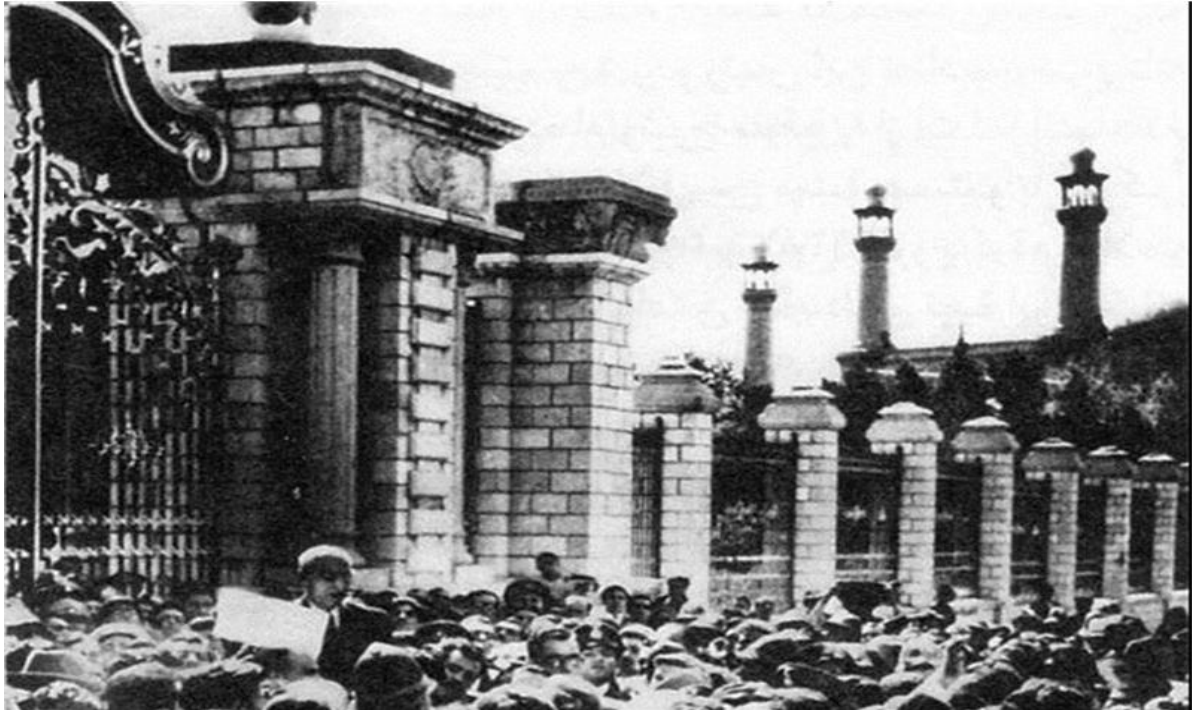
در دوره قاجار که به جریان مشروطه و مشروعه رسید مناره‌ها وارد دور جدیدی از مجادلات شدند که می‌توان آن را «جنگ مناره و توپ» نامید. زیرا در این دوره قاجارها عمدتاً بر شهرها تسلط نداشتند، به‌ویژه در ایالاتی مانند آذربایجان و فارس که طوایف قشقایی و خاندان قوام‌الدوله در آنها نفوذ زیادی داشتند؛ و به والیان ایالت‌ها اجازه ورود به شهر داده نمی‌شد. در این بین هر گروهی سعی در کنترل بلندترین ابنیه داشت. از این‌رو مساجد، مدارس و بقاع آسیب زیادی دیدند؛ مانند فروریختن بخش‌هایی از مسجد وکیل شیراز. *فارسنامه* ناصری نوشته فسایی یکی از بهترین منابع این دوره است که به این نزاع‌ها اشاره کرده است. وی در مورد یکی از این نزاع‌ها گفته است که نیروهای محلی شیراز نظیر «محمد رحیم رنگریز و نه نفر شمخال‌چی بر فراز دو مناره مدرسه خان که بلندتر از همه عمارات شیراز بود قرار گرفتند و مدتی میانه شیرازیان و سرباز و توپچی آذربایجانی، کار بر مخاصمت می‌گذشت و توپچیان، چندین گلوله توپ بر در مسجد وکیل زدند و چندین جای آن را سوراخ نمودند» (فسایی، ۱۳۸۲: ۱/۷۷۸).

کسروی، یحیی دولت‌آبادی و ثقه الاسلام تبریزی به تفصیل این جنگ‌ها را در ایالات مهم تهران، آذربایجان و فارس شرح داده‌اند؛ جنگی که از یک سو بین حکومت و مشروطه خواهان و از سوی دیگر قوای دولتی درگیر قومیت‌ها بود. این منابع از شلیک تفنگ از بالای مناره‌ها و دریافت پاسخ با شلیک توپ از کف خیابان به سمت مناره‌ها خبر می‌دهند. به گفته کسروی، تلاش‌های زیادی برای حمله به مجلس مشروطه صورت گرفت و یحیی دولت‌آبادی چگونگی تلاش مجاهدین برای تسلط بر مناره‌های مدرسه سپهسالار در جنگ با دولت و نیروهای ضد مشروطه را چنین توضیح می‌دهد: «احتشام‌السلطنه رئیس مجلس و ظهیرالاسلام رئیس مدرسه... مدرسه را به باغ بهارستان راه اتصال می‌دهند و به سنگربندی در اطراف عمارت مدرسه و بهارستان می‌پردازند و چون این عمارت‌ها بر اغلب عمارات تهران برتری دارد و مناره‌های مدرسه بر تمام شهر مشرف است، بهترین جاها برای سنگربندی می‌باشد از داخل شهر و اطراف عمارت ممکن نیست دشمن پیش بیاید مگر از خارج شهر با توپ کاری بکنند خلاصه سنگربندی‌ها تمام می‌شود» (۱۳۷۱: ۲/۱۶۷).

مشروطه خواهان که کسروی در کتاب خود آنها را «مجاهد» نامیده بود، از قبل با تفنگ و از طریق مناره‌های مدرسه سپهسالار که مشرف به مجلس بود، از مجلس محافظت می‌کردند و هر بار مخالفان مشروطه که او آنها را «اراذل و اوباش» می‌خواند، به سمت مجلس هجوم می‌بردند، مجاهدین از بالای مناره به طرفشان تیراندازی و از آنجا متفرقشان می‌کردند (کسروی، ۱۳۸۳: ۵۰۷-۵۰۵). او می‌گوید «یکدسته از آنها در بالاخانه‌های عمارت شمالی مجلس و یا در پشت بام‌های مجلس و مسجد و فراز مناره‌ها سنگر گرفته به نگهداری مجلس می‌کوشیدند» (همان: ۶۷۷).

به گفته‌ی ثقه‌الاسلام، این بار توپ‌ها به جنگ مناره‌ها آمدند و ۹۶ توپ به دارالشوری و مناره‌های مسجد و مدرسه سپهسالار شلیک شد و گلوله توپ مثل تگرگ می‌ریخت (ثقه‌الاسلام تبریزی، ۱۳۵۵: ۹۰ و ۷۵). کسروی از ادامه نبرد مشروطه و مشروعه در

تبریز و مناره‌ی صاحب‌الامر آن می‌گوید. به گفته‌ی وی مخالفان مشروطه مدتی خود از مناره‌ها استفاده کرده‌بودند، راه‌ها را به خوبی می‌شناختند و با شیوه مبارزه مجاهدان آشنا بودند: «امروز شجاع نظام از دامنه کوه سرخاب خود را به لشکرگاه سپاه ماکو رسانیده با عزو خان دیدار کرد و همانا می‌خواست راه‌ها را باز نموده دستور تاخت فردا را بدهد. چه شجاع نظام در این سه ماه بسیاری از روزها را از بالای مناره صاحب‌الامر جنگ کرده و همیشه شهر را از آن بلندی تماشا کرده و راه‌ها را نیک شناخته و آنگاه آیین جنگ مجاهدان را بهتر از دیگران یاد گرفته بود. از این کارها پیدا بود که یک تاختی به شهر از چند سو خواهد بود» (کسروی، ۱۳۸۳: ۷۵۱).



مناره‌های مسجد و مدرسه سپهسالار و تسلط آنها بر ساختمان مجلس شورای ملی (روزنامه نفت ما: ۲۷ اسفند ۱۳۹۳).

نتیجه شلیک گلوله از مناره‌های مدارس، مساجد و بقاع و پاسخ گلوله‌های توپ به سمت آنها که به گفته‌ی ثقه‌الاسلام در حدود ۶ ساعت بی‌وقفه ادامه یافت، فروریختن و آسیب جدی به آنها بود؛ چنانکه مناره‌های مسجد سپهسالار، مناره‌های بقعه سید حمزه و مناره مقام آسیب بسیاری دید (ثقه‌الاسلام تبریزی، ۱۳۵۵: ۹۴) نویسنده مؤلف سفرنامه گوهر مقصود پس از دیدن مناره‌های آسیب دیده مدرسه سپهسالار، ناراحتی خود را اینچنین ابراز کرده است: «از مدرسه سپهسالار گذشتیم. چشمم به گنبد مسجد و مناره آن افتاد که از ضرب گلوله، سوراخ و خراب شده بود. حال دیگرگون شد. به حضرت باری شکایت کردم که خانه خرابی تا کی؟ دریای قهرت را وقت آن نرسیده که خانمان ظالمان را بسوزاند که در تخریب این مناره‌های اسلام جهدی کافی دارند» (طهرانی، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

منار محل اجرای مجازات مخالفان مذهبی و سیاسی

مناره‌ها همچنین محل سوزاندن، آویختن و فروانداختن شورشیان و مخالفان دولت نیز بودند. متون تاریخی روایتگر شیوه‌های متنوع مجازات بر مناره‌هاست؛ از جمله اینکه گاه مخالف دولت را در قفس آهنین، بین دو منار آویزان می‌کردند و با نفت آتش می‌زدند. گاهی هم از یک پا یا آلت تناسلی می‌آویختند و یا او را در خم قرار می‌دادند و با طنابی از منار آویزان می‌کردند و سپس طناب را می‌بریدند یا اینکه با ضرب تیر می‌انداختند. بیشتر این افراد سرکردگان گیلان، شروان و استرآباد بودند؛ یعنی ایالات و

ولایاتی که سر در چنبره اطاعت دولت مرکزی نمی‌نهادند. در مورد زنانی هم که متهم به خیانت همسر بودند نیز به انداختن از مناره کج کاشان یاد شده که به گفته دیولافوا توسط همسر یا اقوام زن از بالای این منار به پایین پرت می‌شدند. مناره‌هایی که بیشترین گزارش‌ها در مورد آنها وجود دارد عبارتند از مناره نصریه صاحب‌آباد تبریز، مناره‌های مسجد اوزن حسن و جامع مظفریه و نیز مناره کج کاشان (برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: ابوالرجا قمی، ۱۳۸۸: ۲۸۰، واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۰۵ و ۱۵۲؛ بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۸۷/۲ و ۱۹۰؛ تتوی، بی‌تا: ۹۱۹؛ میرخواند، بی‌تا: ۲۵۶؛ مادام دیولافوا، ۱۳۷۱: ۱۶۹؛ دآلمانی، ۱۳۳۵: ۸۶۸؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۶۶؛ خورشاه، ۱۳۷۹: ۱۴۵؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۹۱ و اسکندر منشی، ۱۳۱۴: ۸۴).

مناره نوشته‌های نظامی و کله مناره‌های انسانی

۲۸ کله منار که هر کدام با ۱۵۰۰ سر ساخته شده بود یعنی چیزی معادل بیش از چهل هزار انسان، گزارش منابع تیموری از جمله حافظ ابرو (۱۳۸۰: ۲/ ۶۶۶-۶۶۷) از سرهای مقتولان مردم اصفهان به دستور تیمور بود که ظاهراً جرم آنها عدم پرداخت مالیات به دولت بوده است. ملک معزالدین حسین گرت نیز دو منار روبه‌روی هم از سر دشمنانی که از ماوراءالنهر به خراسان تاخته بودند در نزدیکی آرامگاه امام فخرالدین رازی برپا کرد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۲۷-۲۲۶؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳/ ۱۸۴). ظاهراً صفوی از سرهای دشمنانی که به کرمان و آذربایجان می‌تاختند کله مناره‌های متعددی ساخت (منشی قزوینی، ۱۳۸۷: ۱۸۴). ظاهراً فرقی نمی‌کرده است که شورش داخلی باشد یا دشمن خارجی. به گفته‌ی بدلیسی (۱۳۷۷، ۲/ ۲۴۰) از سر یک هزار و هشتصد نفر گیلانی در میدان تنکابن به امر شاه تهماسب صفوی ۳ منار ساخته شد. نادرشاه افشار هم هنگامی که از اصفهان به خراسان در حرکت بود به هر جا که وارد شد از «رؤوس رؤسا و ضعفای بی‌گناه» کله منار ساخت (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۴۲۴). این کله مناره‌ها ترکیبی از سرهای اسرا و مردگان بود که با آجر و سنگ و گچ توسط بنایان استوار می‌شد (میرخواند، بی‌تا: ۷۳۴).

درباره اینکه اهمیت ساخت کله مناره‌ها چه بود و چه ارتباطی با مناره‌ها داشت، باید گفت این عمل کارکرد تبلیغاتی داشته است و با ساخت کله منار، خبر فتح و ظفر به گوش رهگذران می‌رسید. به‌طور مثال، در تسخیر بغداد توسط تیمور از سرهای کشتگان مناره ساختند «تا ندای فتح به مسامع جهانیان رسید و صدای نصرت و اقبال از مرکز خاک به محیط افلاک برآمد و بقیة السیف که مانده بودند سراسیمه خود را از آن مهلکه بیرون انداختند و به انواع حیل بیشه و جنگل را حصار ساختند» (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۷۲: ۲/ ۶۲۸)؛ یا در مورد فتح قلعه تکریت باز به همین شیوه اشاره شده است. ساخت کله منار از سرهای «آن بی باکان» و رسیدن «آوازه فتح آن قلعه نامدار که شهباز آرزوی سلاطین کامکار در هوای تسخیر آن پرواز کرده و نومید بازآمده در اطراف ریع مسکون انداختند» (همان: ۱/ ۶۸۶).

نکته جالب این است که در کنار این کله‌مناره‌ها، مناره‌ای سنگی نیز توسط سربازان ساخته شده است که معمولاً بر روی آن جریان فتوح نوشته می‌شد. یعنی دو مناره به موازات یکدیگر ساخته می‌شد که یکی با سر انسان و دیگری با سنگ بود و اولی را شاهد زنده و مؤید دومی می‌دانستند و کله‌مناره‌ها، نوشته‌ی مناره سنگی را تأیید می‌کردند: «از سرهای آن زمره بی‌دین، مناره‌ها برافراشتند و تاریخ آن غزو نامدار، بر سنگ‌های تراشیده نگاشتند تا خلائق روزگار به دیده اعتبار صورت آن کارزار مشاهده نمایند و تسخیر مملکتی که در خیال سلاطین گذشته نگذشته، عنایت پروردگار، پیش همت صاحب‌قران کامکار آسان ساخته» (همان: ۱/ ۷۴۱).

در واقع منارنگاره‌های سنگی که توسط سپاه و در جریان فتوحات ساخته می‌شد، حکم تاریخ‌نگاری، لوح و کتیبه پیدا کرده بود؛

یک سند تاریخی مکتوب که شاهد و مصداق عینی آن هم کله مناره‌های مغلوبان بود. چنانکه در واقعه‌ی فتح تکریت تیمور دستور می‌دهد تا از سر زن و فرزند آنان «بر سر پل‌ها و گذرگاه‌ها مناره بسازند و تاریخ و حکایت آن قضایا بر سنگ‌های تراشیده نقش کردند» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۸۲۸/۲). همچنین به گفته خواندمیر (۱۳۸۰: ۴۴۷/۳)، تیمور در جنگ با توقتمش، خان دشت قپچاق، دستور داد تا لشکریان سنگ از کوه برآوردند و مناره رفیعی در آن محل ساخت و «سنگ تراشان چابک دست، تاریخ آن ایام را بر آن مثبت ساختند» و «اسم امیر صاحبقران بر آن نگاشتند» تا نامه‌ای بر روی روزگار باقی ماند» (یزدی، ۱۳۸۷: ۱/ ۶۴۲؛ غفاری کاشانی، ۱۴۰۴: ۳۰۹). به‌واقع تیمور تاریخ ورود لشکر به سرزمینی که قرار بود مورد هجوم قرار گیرد را بر سنگ‌هایی که توسط سپاهیان آورده می‌شد حک می‌کرد «تا بر صحایف ازمان و ادوار یادگاری باشد» (واله اصفهانی، ۱۳۷۹: ۱۶۶). این روش مناره‌نگاری تیموری مورد توجه صفویان و ازبکان هم قرار گرفت؛ چنانکه عبدالله خان ازبک در تقابل با مناره تیمور که در کوهی در دشت قپچاق ساخته بود دستور ساخت مناری داد و نام خود را بر آن نگاشت (منشی، ۱۳۸۰: ۱۰۰).

در واقع یک ابداع جدید صورت گرفته بود. در گذشته صحنه‌های پیروزی بر صخره‌ها حک می‌شد، اما در این زمان در میان دشت‌ها و مرغزارهای زیبا که کاروان‌ها در آن تردد می‌کردند، به مدد لشکریان سنگ‌های مناره جمع‌آوری و به کمک سنگ‌تراشان و بنایان از گچ و آهک ساخته و سپس تاریخ نگاری می‌شد. این منار باید چند هدف را تأمین می‌کرد: این کار به منظور نوشتن تاریخ و به یاد ماندن در صفحه روزگار انجام می‌شد. همچنین برای آیندگان و روندگان علت ساخت کله مناره‌هایی که بر پل‌ها و گذرگاه‌ها ساخته شده بود را توضیح می‌داد تا مخالفان عبرت بگیرند و دشمنان بترسند و خبر این پیروزی و فتح به جاهای دیگر برسد. همانطور که کله‌های انسانی گواه مناره‌نوشته‌ها بود و مناره‌نوشته‌ها علت ساخت کله منارها را توضیح می‌داد، کله شاخ‌های حیوانی هم طی شکارهای بزرگ و به هدف نشان دادن اقتدار و قوت پادشاه در مکان‌های شکار ساخته می‌شد که هم خبر آن می‌بایست به گوش جهانیان می‌رسید و هم یادگاری در عالم می‌ماند. سلاطین سلجوقی از جمله ملکشاه، گورکانیان و سلاطین صفوی به ساخت مناره‌های کله شاخی بسیار علاقمند بودند تا به گفته متون تاریخی آن ایام، «یادگاری در عالم بماند» (بدوانی، ۱۳۸۰: ۱۱۸/۲؛ دلاواله، ۱۳۸۴: ۴۲). چنانکه در یک نوبت بیش از ۲۶ هزار حیوان شکار شده بود و بین سلاطین، اشراف، اعیان و خدام تقسیم شد و سپس به فرمان پادشاه صفوی «استادان ماهر و مهندسان قادر» از سر این حیوانات مناره‌های عظیم برافراشتند تا «بر قوت و اقتدار پادشاه سپهر توان» زبان «به آفرین بازگشایند» (جنابدی، بی‌تا: ۲۶۷/۱).

ذوب ابزار جنگی مغلوبان و تبدیل شدن به منار

همانطور که در سطور بالا ذکر شد، ساختن مناره پس از یک رویداد نظامی که منجر به فتح و پیروزی می‌شد، از سرهای مغلوبان یا از سنگ‌های کوه‌های اطراف سرزمینی که در آن جنگ رخ می‌داد، معمول بود. اما این تنها مصداق برخورد غالب با شکست‌خوردگان و اسرا و در قالب مناره نبود؛ بلکه از ذوب ابزار جنگی آنان نیز استفاده شد که خود جلوه‌ای از غرور و عظمت و تداوم این خاطره تاریخی بود. زیرا ابزار جنگی مغلوبان که به سازه مناره تبدیل شده بود، سند این پیروزی بود که در تاریخ یک ملت و در میدانی شهرهای اروپایی برافراشته و باقی می‌ماند. در این خصوص روزنامه‌های ایران دوره قاجار اخباری از جنگ‌های اروپایی منتشر می‌کردند که به نظر می‌رسد با توجه به پیوند دیرینه ایرانیان با منار برای آنها جالب توجه بوده‌است. برای مثال اعتمادالسلطنه (۱۳۶۳، ۱۴۸۴/۳) می‌گوید که در سال ۱۸۰۶/۱۲۲۱م. که آن را بهترین سال سلطنت ناپلئون می‌نامد، در میدان «واندم پاریس» (Place Vendome) مناری از توپ‌هایی که از دشمن گرفته شده بود ذوب نموده و بر پا کردند. ظاهراً این منار به مناسبت

پیروزی ناپلئون در نبرد استرلیتز بر پا شده است. گفته می‌شود که ۱۲۵۰ توپ روسی و اتریشی که در طول نبرد تصرف شده بود برای ساخت آن به کار رفت و مجسمه‌ای از ناپلئون به‌عنوان یک سزار پیروز روی آن نصب شد. هرچند بعدها این مجسمه ذوب شد اما مجدداً ناپلئون سوم یک کپی از مجسمه ناپلئون را جایگزین کرد.



(<https://www.parisinsidersguide.com/place-vendome-paris.html>)

سپهر (۱۳۸۶، ۷۸۷/۲) هم از بنا شدن مناری توسط دولت ژاپن به یادگار یک فتح عظیم دریایی گزارش داده است. به گفته وی دولت ژاپن مقرر کرده که در یکی از جزایر سرزمینی خود «اینوشمو»، مناره فلزی بنا شود که هشتاد میل مسافت را در شب روشنایی بدهد. همچنین ناصرالدین شاه در خاطرات خود از سفرهای اروپایی، بارها از ساختن مناره‌های متعدد با ذوب توپ‌های مغلوبان یاد کرده است؛ برای نمونه در سفر به «پوتسدام» در آلمان از مناری یاد کرده که در محل پیروزی آلمان بر فرانسه نصب شده بود و مجسمه‌ای مطلاً از ملائکه بر سر آن قرار داشت. می‌گوید: «منار بسیار بلند قشنگی است، بالای منار يك ملائکه از مطلاً ساخته‌اند، خیلی بزرگ و به قدری این منار بلند است که آدم یقین می‌کند این ملک از آسمان نازل می‌شود، خیلی جای تماشایی است» (ناصرالدین قاجار، ۱۳۷۱: ۲۲۱).

در واقع مناره‌های نظامی یا مناره‌هایی که پس از وقایع نظامی ایجاد می‌شدند، نوعی تاریخ‌نگاری و به صورت کتیبه بوده‌اند؛ با این تفاوت که نه در دل صخره‌ها نوشته می‌شدند و نه به روایتگری صرف آن در کتب تاریخی بسنده شده بود تا مبادا غبار زمان به فراموشی آن کمک کند؛ و همچنانکه در میان دشت‌های سرسبز سده هشتم هجری بنا شدند، در میدانی شهرهای اروپایی و جزایر آسیایی سده نوزدهم میلادی به نماد پیروزی و غرور یک ملت، تبدیل شدند و تداوم یافتند؛ و وظیفه داشتند سربلندی نسل‌های پیشین را به نسل‌های بعدی منتقل کنند.

نتیجه‌گیری

بر پایه آنچه گفته شد کارکردهای امنیتی و نظامی مناره‌ها به‌عنوان سازه‌هایی باستانی، متعلق به فرهنگ‌های مختلف، اما با تأکید بر ایران پس از اسلام بررسی شد. گفته شد که امنیت شامل فاکتورهای نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و ارتفاع منار، بیشترین تأثیر را در بسیاری از عملکردهای نظامی و امنیتی آن داشته‌است. مرتفع بودن مناره‌ها، قابلیت‌های مختلف این سازه از جمله تسلط آنها بر محله‌ها، ارگ‌ها و دیگر بناهای شهرها را شکل داده‌است. از این‌رو، مناره‌ها در جنگ‌های داخلی و خارجی نقش مهم و مؤثری داشتند؛ چرا که مهاجمان با تخریب مناره‌های مسجد جامع شهر می‌توانستند ارگ را فتح کنند و گاه ورودی‌ها و خروجی‌ها را زیر نظر بگیرند و حتی از مرام و نهضتی مانند مشروطه دفاع کنند. همچنین ارتفاع این سازه و ساخت آن در بیابان‌ها، باعث امنیت اقتصادی کاروان‌های تجاری می‌شد که به تدریج از طریق آنها سکونتگاه‌های انسانی شکل می‌گرفت؛ چنانکه امروزه نیز مناره‌های زیادی دور از شهر فعلی و در کنار شهرهای قدیمی که اکنون خرابه‌هایی در اطراف آن است، دیده می‌شود. مناره‌ها شاخصی برای تعیین حدود سرزمینی، تأمین امنیت اجتماعی و اقتصادی تجار بودند و از نظر زبان هنری نیز گاه پیام‌آور صلح و گاهی سربلندی و افتخار نسلی را به نسل‌های آینده می‌رساندند. همچنین مناره نوشته‌های نظامی به‌عنوان کتیبه و تاریخ‌نگاری عمل می‌کردند. گاهی ابزار ساخت آنها سنگ بود که سربازان از کوه حمل می‌کردند و یا از سر انسان و زمانی هم از ذوب ادوات جنگی مانند توپ ساخته می‌شدند؛ و البته گاهی هم به هدف تسخیر شهر و قلعه یا شکست نهضتی باید فرو می‌ریختند. گاه محل اعدام و مجازات افراد بی‌گناه و مجرم می‌شدند که گاه مردمی با عقاید مختلف مذهبی و سیاسی و مخالف با حکومت و جامعه بودند؛ اما به هر نحو و شکلی، این بنای کهن قرن‌ها در کنار ادیان مختلف، حکومت‌های متعدد و اندیشه‌های متضاد با کارکردهای مختلف، به حیات خود ادامه داده‌است که در این پژوهش جنبه‌ی نظامی - امنیتی آن بررسی شد.

منابع

- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۴۵). *سوره‌الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالرجاء قمی، نجم‌الدین (۱۳۸۸). *ذیل نفته‌المصدر*، تصحیح حسین مدرسی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- آتینگهاوزن، ریچارد و گرابر، الگ (۱۳۷۹). *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.
- استخری، ابوسحاق ابراهیم (۱۳۴۷). *مسالك و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- استرآبادی، محمد مهدی بن محمد نصیر (۱۳۷۷). *جهانگشای نادری*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اسکندر منشی (۱۳۱۴). *تاریخ عالم آرای عباسی*، تهران: دارالطباعة آقا سید مرتضی
- اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی (۱۳۶۳). *تاریخ منتظم ناصری*، تهران: دنیای کتاب.
- افضل‌الدین کرمانی، احمد بن حامد (۱۳۲۶). *تاریخ افضل*، تصحیح مهدی بیانی، تهران: دانشگاه تهران
- بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین (۱۳۷۷). *شرفنامه*، تهران: اساطیر.
- بدوانی، عبدالقادر بن ملوک‌شاه (۱۳۸۰). *منتخب‌التواریخ*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- *تاریخ سیستان*، مؤلف ناشناخته (قرن ۵ ق)، (۱۳۶۶). تهران: پدیده خاور.
- تتوی، احمد بن نصرالله (بی‌تا). *تاریخ الفی*، بی‌جا: بی‌نا.
- ثقة‌الاسلام تبریزی، علی‌بن موسی (۱۳۵۵)، *مجموعه آثار قلمی*، تهران: انجمن آثار ملی.

- جعفری، جعفر بن محمد (بی تا). تاریخ یزد، بی جا: بی نا.
- جنابدی، میرزا بیگ بن حسن (بی تا). روضة الصفویه، بی جا: بی نا.
- جیهانی، ابوالقاسم (۱۳۶۸). اشکال العالم، ترجمه علی کاتب، مقدمه فیروز منصوری، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۸۰). زبده التواریخ، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- حیدری، محمد مهدی (۱۳۸۷). «جستاری در باب منار»، نشریه هنرهای زیبا، ش ۳۴، صص ۵۸-۴۹.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همادالدین (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، تهران: خیام.
- خورشاه بن قباد (۱۳۷۹). تاریخ ایلچی نظام شاه، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- دآلمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری، تهران: امیرکبیر.
- دلاواله، پیتر (۱۳۸۴). سفرنامه پیتر و دلاواله، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱). حیات یحیی، تهران: عطار.
- رشیدالدین فضل الله (۱۹۴۰م). تاریخ مبارک غازانی، تحقیق کارل یان، هرتفورد انگلیس: استنن اوستین.
- رهبر، عباسعلی؛ سوری، فرزاد (۱۳۹۵). «دولت و مدل امنیت سیاسی مطلوب در جامعه دینی»، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم. ش ۵، صص ۱۳۳-۱۰۱.
- ژویر، پیر (۱۳۴۷). مسافرت در ارمنستان و ایران، ترجمه اعتماد مقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سپهر، عبدالحسین (۱۳۸۶). مرآت الوقایع مظفری، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). سفرنامه شاردن، تهران: توس.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). الغیبه، ترجمه مجتبی عزیزی، قم: جمکران.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۸). تاریخنامه طبری، تهران: سروش.
- طهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). سفرنامه گوهر مقصود، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- عبدالرزاق سمرقندی (۱۳۷۲). مطلع سعدین و مجمع بحرین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- غفاری کاشانی، احمد بن محمد (۱۴۰۴). تاریخ نگارستان، تهران: کتابفروشی حافظ.
- فسایی، حسن بن حسن (۱۳۸۲). فارسنامه ناصری، تهران: امیرکبیر.
- فیگوئروا، گارسیا (۱۳۶۳). سفرنامه فیگوئروا، تهران: نو، تهران.
- کرسول، کیل (۱۳۹۳). گذری بر معماری متقدم مسلمانان، ترجمه مهدی گلچین، تهران: موسسه نشر آثار هنری.
- کسروی، احمد (۱۳۸۳). تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
- مادام ژان دیولافوا (۱۳۷۱). ایران، کلمه و شوش، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳). بحارالانوار، ج ۱۶ و ۵۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مراغه‌ای، زین العابدین (۱۳۸۵). سیاحت نامه ابراهیم بیگ، تحقیق محمد علی سپانلو، تهران: آگه.
- منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸). جواهر الاخبار، تصحیح محسن بهرام‌نژاد، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

- منشی، محمد یوسف بن خواجه بقا (۱۳۸۰). تذکره مقیم خانی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
 - میرخواند، محمد بن خاوند شاه (بی تا). روضه الصفا، بی جا: بی نا.
 - میرعرب، مهرداد (۱۳۷۹). «نیم نگاهی به مفهوم امنیت»، ترجمه سید عبدالقیوم سجادی، سال سوم، شماره نهم، صص ۱۳۳-۱۴۳.
 - ناصر الدین قاجار، شاه ایران (۱۳۷۱). روزنامه خاطرات ناصر الدین شاه در سفر سوم فرنگستان، تهران: رسا.
 - نرشخی، محمد بن جعفر (۱۳۶۳). تاریخ بخارا، تهران: توس.
 - نظام الدین شامی (۱۳۶۳). ظفرنامه شامی، مقدمه محمد احمد پناهی، تهران: بامداد.
 - هدایت، رضاقلی بن محمد هادی (۱۳۸۵). سفارت نامه خوارزم، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
 - هندیانی، عبدالله (۱۳۸۶). «بررسی تحولات مفهومی امنیت در محیط امنیتی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم. صص ۳۰-۹.
 - هیلن برند، رابرت (۱۳۹۳). معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: روزنه.
 - واله اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۷۲). خلد برین، تصحیح محمد هاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
 - وحید قزوینی، محمد طاهر بن حسین (۱۳۸۳). تاریخ جهان آرای عباسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 - یاسوری، مجید (۱۳۸۹). «بررسی روند توزیع جغرافیایی جمعیت ایران، آینده نگری، مشکلات و راهبردها»، فصلنامه جمعیت، شماره ۷۳/۷۴، صص ۲۴-۱.
 - یزدی، شرف الدین علی (۱۳۸۷). ظفرنامه، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- Leffler, Melryn p (1984). The American conception of National security and the Beginnings of cold war, 1945-48, American Historical Review 89(2), Pp. 246-81.